

قصه‌های دریا



تکاوران غریب‌شهر

خاطرات ناخدا یکم تکاور هوشیار صمدی

نویسنده: سید قاسم یاحسینی



این کتاب با حمایت معنوی امیردریادار حبیب‌اله سیاری فرمانده سابق نیروی دریایی کشورمان تهیه و منتشر شده است.

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)



حوزه هنری کودک و نوجوان

قصه‌های دریا

تکاوران خرمشهر

خاطرات ناخدا یکم تکاور هوشنگ صمدی

نویسنده: سید قاسم یاحسینی

مدیران پروژه: مرتضی سورهنگی / ساسان ناطق

مشاور نیروی دریایی: ناخدا هوشنگ صمدی و دریادار علی اکبر اخگر

ویراستار: اکرم ذره‌بوست گنیک / مدیر هنری: محمد مهرابی

چاپ سحافی و لیتوگرافی: واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

پایه اول: ۳

مارگاز: ۱ نسخه

شماره: ۶ - ۰۳ - ۰۰۰۰۰۰۰۰ - ۹۷۸-۶۰۰

شابک ج: ۳ - ۰۵۳ - ۰۰۰۰۰۰۰۰ - ۹۷۸-۶۰۰

سرشناسه: ۱۳۱۸۰ گ. ه. ج. ۱۳۰۰

عنوان و نام پدیدآور: تکاوران خرمشهر / خاطرات هوشنگ صمدی؛ نویسنده: سید قاسم

یاحسینی؛ (پیرایه دفتر سورهنگی) / ناشر: تهران

مشخصات نشر: تهران: شرکت نشر، ۱۳۶۰. رات سوره مهر، ۱۳۶۰.

مشخصات ظاهری: ۱۴۸ ص.

فهرست: قصه‌های دریا: ۱.

شابک: دوره: ۶ - ۰۵۳۷ - ۰۰۰۰۰۰۰۰ - ۹۷۸-۶۰۰

شابک ج: ۳ - ۰۵۳۸ - ۰۰۰۰۰۰۰۰ - ۹۷۸-۶۰۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: صمدی کلخوری، هوشنگ، ۱۳۱۸ - - - خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ - - - خاطرات

موضوع: Personal narratives -- 1980-1988 -- Iraq War, n

موضوع: ناخدایان و ناخدایی - - - خاطرات

موضوع: Pilots and pilotage -- Diaries

شناسه افزوده: یاحسینی، سید قاسم، ۱۳۴۴ - - - گردآورنده

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، دفتر امور ادبی استان‌ها (تهران)

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده‌بندی کنگره: DSR ۱۶۲۹ / ۸۶۴۱۳۹۶ ص

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۹۷۵۷۵

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳

مستند طبقه‌بندی: ۵۸۱۵۰۱۱۵۴ / تلفن: ۶۱۹۴۲ / سامانه پیامک: ۳۰۰۵۲۱۹

تلفن مرکز پخش (پنج خط): ۶۹۳-۶۹۳ / فکس: ۶۹۳۱۹۵۱

www.soremehr.ir

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه‌ی رسمی از ناشر است.

به جای مقدمه

ناخدا کم باز نشسته هوشنگ صمدی هستم. در بهمن ماه ۱۳۱۰ در روستای «کلخوران» از توابع اردبیل متولد شدم. این روستا امروزه جزء شهر اردبیل به شمار می‌رود. بستان و سه سال اول دبیرستان را در همان اردبیل در خیابان خاندان در پاییز ۱۳۳۴ در تهران به دبیرستان بهبهایی رفتم. کلاس‌های ده، یازده را در همین دبیرستان تمام کردم. برای سال دوازده به مدرسه‌ای در خیابان لاله‌زار رفتم و خرداد ماه سال ۱۳۳۷ دیپلم ریاضی گرفتم.

دوران خدمت سربازی را در شهریور ماه ۱۳۳۹ به پایان رساندم. به من پیشنهاد کردند در همان اداره مخابرات با درجه ستوان‌سومی بمانم و خدمت کنم، اما دلم می‌خواست ادامه تحصیل می‌دادم و با درجه بالاتری جذب ارتش می‌شدم.

مرداد یا شهریور ماه ۱۳۳۹ دانشکده افسری برای استخدام دانشجو آگهی داد. رفتم و در کنکور این دانشکده شرکت کردم. از همان کودکی به نظامی‌گری و نظامی شدن علاقه خاصی داشتم. در کنکور قبول

شدم. در اول آبان همان سال وارد دانشکده افسری شدم. دوره سه ساله دانشکده افسری را مهر ماه ۱۳۴۲ به پایان رساندم و چند سال در مناطق مختلف ایران خدمت کردم.

مهر ماه سال ۱۳۵۴ جذب تکاوران نیروی دریایی شدم و در منجیل آموزش تکاوری دیدم. همچنین برای تکمیل دوره در سال ۱۳۵۵ به انگلستان رفتم. اوایل شهریور ماه ۱۳۵۶ به ایران و تهران برگشتم و پس از آن من مأموریت دادند تا با سمت فرمانده گردان تکاوران نیروی دریایی به پایگاه دوم این نیرو در بندر بوشهر بروم.

از مهر ماه ۱۳۵۶ تا اواخر شهریور ماه ۱۳۵۹ در بوشهر بودم. البته پس از انقلاب، مدتی در سیرجان خدمت کردم اما عمدتاً خدمت در بندر بوشهر و پایگاه دوم دریایی در گرجان تکاوران بود...

در شهریور ماه ۱۳۵۹ شروع جنگ توسط عراق چنان برای نیروی دریایی ایران مملو و مبرهن شده بود، در روز ۲۳ شهریور ماه جانشین من در نیروی دریایی ناخدا مصطفی مدنی نژاد و ناخدا کاشانی در تهران به بوشهر آمدند و در زیرزمین ساختمان چهارم به پایگاه نیروی دریایی بوشهر، قرارگاه مقدم جنگ را با عنوان «نیروی رزمی ۴۲۱» ایجاد کردند. تجهیزات مخارباتی و الکترونیکی آنجا مستقر شد و از روز ۲۶ شهریور ماه کار رسماً شروع شد. همچنین افسران زبده، باسواد و فهیم را در این ستاد مستقر کردند. امکانات رزمی نیروی دریایی ایران در پایگاه‌های چهارگانه خرمشهر،

بندرعباس، بوشهر و انزلی زیر نظر نیروی رزمی ۴۲۱ قرار گرفتند. منطقه دوم دریایی بوشهر به ستاد جنگ و فرماندهی نیروی دریایی ایران تبدیل شد.

در درگیری‌هایی که عراقی‌ها در مرز خرمشهر با تکاوران ما داشتند، در روزهای ۲۹، ۳۰ و ۳۱ شهریور ماه چند نفر از نیروهای اعزامی به خرمشهر به شهادت رسیدند: ناواستوار کورش شهبازی روز ۲۹، مهنای یکم منصور دوس و ناواستوار دوم محمدعلی گردکانی در ۳۱ شهریور و روز شروع جنگ شهید شدند. همچنین مهنای یکم جواد صفری در این روز جنگ با تیربار در محور شلمچه، زمانی که دشمن وارد خاک ما شده بود، آن قدر مقاومت و ایستادگی کرد تا بالاخره عراقی‌ها با گلوله تانک موضع او را هدف قرار دادند و جواد صفری را شهید کردند.

روز ۳۱ شهریور ماه عراق با دوازده لشکر، شامل پنج لشکر زرهی، پنج لشکر مکانیزه و دو لشکر پیاده و ۳۰ تیپ و گردان‌های توپخانه از غرب و جنوب به ایران حمله و تجاوز کرد. هر لشکر زرهی دشمن متشکل از ۱۴ گردان تانک بود و هر گردان ۵۴ تانک داشت.